

## زن بزهکار و عوامل شخصیتی و فرهنگی مرتبط با آن

سحر صفرزاده \*

### چکیده

بزهکاری یکی از مسائل مهم و در عین حال شایان توجه جوامع بشری است که ریشه در عوامل مختلف محیطی، فرهنگی و شخصیتی دارد. این پدیده در دهه‌های اخیر به دلایل گوناگون و با شکل‌های متنوع‌تر بروز کرده و ضربات جبران‌ناپذیری را به اشخاص و جوامع متحمل می‌کند. از سویی شیوع این مسئله در بین زنان جوامع به جهت وجود برخی عوامل آسیب‌زا، به شکلی روزافزونی گسترده شده است. در واقع، بزهکاری در گروه زنان، این قشر عظیم جامعه، به دلیل داشتن موقعیت‌های حیاتی در ساختار خانواده و جامعه و تأثیر شکل رفتاری بهنجار و نابهنجار آنها در زندگی آینده سازان جهان، می‌تواند به طوری ویژه فکر پژوهشگران و صاحب‌نظران را به خود جلب کند. از این رو توجه به این پدیده و شناخت ابعاد گوناگون آن به منظور تشخیص علل و عوامل مؤثر بر بزه و ایجاد دیدگاه جدید درباره رفتارهای بزهکارانه زنان و جدا کردن آنها از رفتارهای بهنجار و متناسب با فرهنگ و شخصیت یک زن سالم می‌تواند به ما برای بهتر زیستن و ایجاد ارتقاء در تربیت نسل آینده کمک نماید. در همین راستا هدف از این تحقیق بررسی رفتاری بزه و مطالعه شخصیت و محیط فرهنگی مؤثر بر بزهکاری زنان و مشخص کردن تفاوت آنها با افراد سالم جامعه می‌باشد.

کلید واژگان: زن بزهکار، شخصیت، فرهنگ.

\* دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

## مقدمه

در روز قیامت هیچ بنده ای قدم بر نمی دارد تا به این سؤال پاسخ دهد:

عمرت را در چه کاری فانی کردی؟

جوایت را در چه راهی صرف نمودی؟

﴿پیامبر اکرم (ص)﴾

مسئله بزهکاری<sup>۱</sup> از زمان قدیم در جوامع بشری مورد توجه دانشمندان بوده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و افزایش دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواست‌های زندگی، موجب گسترش شدید و دامنه دار فساد، عصیان، تبهکاری و سرگردانی، دزدی و انحراف جنسی و دیگر انحرافات در اطفال، نوجوانان و بزرگسالان زن و مرد شده است. مشکلاتی مانند آنچه ذکر شد و یا در واقع همان بزه نزد مردم امروزه به شکل فراوانی مطرح می‌باشد و آثار آن به خوبی در جامعه هویدا است و ناسازگاری‌های رفتاری شایان توجه افراد با قوانین جامعه، دورنمای چندان مناسبی ندارد (احمدی و محسنی، ۱۳۷۸). این مسئله در برخی از گروه‌های اجتماعی مخصوصاً قشر زنان به شکل شایان توجه و مخفی رایج بوده و در زندگی خانواده‌های جامعه تزلزل ایجاد می‌نماید (لینکر و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). از سوی دیگر بزه<sup>۳</sup> که عبارت است از «یک کنش ارادی که از شخصی سر زده و برخلاف هنجارها و ارزش‌های متداول در جامعه می‌باشد» (گسن<sup>۴</sup>، ۱۹۸۸؛ نقل از ستوده، ۱۳۸۱). فقط به موارد بالا که در قانون برای آنها مجازات مکتوب شده است اطلاق نمی‌شود بلکه رفتارهای نقض‌کننده قانون انسانی و مخالف انسانیت، فرهنگ، اخلاق و عرف را نیز بزه می‌گوییم. تنبیه بدنی یا روانی یک کودک از سوی مادر، شیر ندادن به فرزند به دلایل نامعقول، تمکین نکردن و قهرهای پیاپی از منزل، فرستادن کودک با بیماری مسری به مدرسه و یا دروغ گفتن به همسر برای رسیدن به منفعت همه و همه بزه‌های پنهانی در بین زنان هستند که خود برهم زنده نظم جوامع بوده و حقوق انسان‌ها را پایمال نموده و از سوی دیگر جدا کردن یک زن سالم را از یک شخص بزهکار مشکل می‌نماید. در پی این مسئله مهم برخی محققان از جمله استفان و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) مشخص کردند عامل اصلی که می‌تواند ما را در توضیح و تبیین رفتار بزهکارانه کمک کند، شخصیت است. همچنین بررسی‌ها تأیید می‌کنند که شخصیت یک عامل اصلی در رفتار مجرمانه و تنها روش منظم برای بررسی اعمال بزهکارانه است. در پی آن بن<sup>۶</sup> (۱۹۸۴) نیز گزارش داد، طبق تحقیقات روانپزشکان بی‌شماری مشخص شده است، بسیاری از جرایم، ریشه عمیقی در شخصیت افراد بزهکار دارند. در واقع شخصیت<sup>۷</sup> که عبارت است از «مجموعه سازمان یافته، واحد و متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و مداومی که بر روی هم یک شخص را از

۱. misdemeanor

۲. Links, et al

۳. misdemeanor

۴. Gesen

۵. Stephan, et al

۶. Bonn

۷. personality

شخص یا اشخاص دیگر متمایز می کند» (براهنی و بیرشک، ۱۳۷۷؛ نقل از واحدی کوچنق و همکاران، ۱۳۸۷)، امروزه به عنوان جداکننده یک فرد بزهکار از دیگر افراد اجتماع محسوب می شود. از سوی دیگر برخی از پژوهشگران، فرهنگ را نیز که از هنجارها و رسم ها و سنت های یک جامعه تشکیل شده است را در بزهکاری مؤثر دانسته اند. ساترلند<sup>۱</sup> (نقل از ستوده، ۱۳۷۶) نیز در تأیید مطالب بالا طی تحقیقاتش اذعان کرده است که عدم رشد خرده فرهنگ ها و تعارض فرهنگی از جمله عوامل مؤثر بر بزهکاری است. در کل شخصیت و فرهنگ دو عامل مهم، مؤثر و مرتبط با بزهکاری و بزه شمرده شده اند. در کل به نظر می رسد مسئله بزهکاری زمانی شایان توجه می شود که بر گروه زنان متمرکز باشد. در واقع زنان به عنوان نیمی از جامعه به دلیل نقش حیاتی در تربیت فرزندان و پرورش دهندگان نسل آینده از یک سو و از سوی دیگر به دلیل توانایی بالا برای ایجاد تحول و تغییر در جامعه می توانند در صورت نشان دادن رفتار نابهنجار و یا ارتکاب هر نوعی بزه چه به صورت قانونی تعریف شده و چه به صورت عرفی نفی شده، بر ساختار جامعه مؤثر باشند. حال باید از خود پرسیم، به طور کلی مگر میزان وسعت رفتارهای بزهکارانه تا چه اندازه است که فقط افراد خاصی آنها را انجام داده و به دام می افتند؟ و یا شخصیت زنان بزهکار چه هبیتی دارد که اکثر ما از او بیزاریم؟ در عین حال چنین شخصیتی تا چه میزان با شخصیت دیگر افراد جامعه متفاوت می نماید؟ و یا عناصر سازنده شخصیت یک فرد بزهکار چگونه عمل می کنند؟ در راستای مطالب بالا، هدف از این تحقیق باز کردن پنجره جدیدی رو به شخصیت یک فرد بزهکار و رفتار بزهکارانه با تمرکز بر گروه زنان و یادآوری برخی مسائل فراموش شده در اطرافمان و دقت و تفکر بیشتر در خود و اعمال مان است.

گزارشات آماری بزهکاری که دفاتر دادگستری منتشر می کند، ظاهراً کاملترین آمار بزه را در بر می گیرد. چنین گزارشاتی، تنها شامل جرایمی می شود که به پلیس یا دادگستری ارجاع شده است. اما رفتارهای بزهکارانه دیگری نیز وجود دارد که به طور کلی از محدوده گزارشات رسمی خارج می باشد. اینگونه جرایم شامل طرد و ستم به فرزندان از سوی مادر، روسپیگری، خلاف های به اصطلاح بدون قربانی و بازی های بی سر و صدا در داخل گروه های زنانی است که به هم اعتماد دارند. به همین دلیل جرم شناسان معتقدند که سطح کنونی بزهکاری مخصوصاً در گروه زنان در اکثر کشورها شاید تا چند برابر بیش از میزانی باشد که گزارش می شود. این امر حتی در مورد کشورهای پیشرفته صنعتی نیز صادق است. از سوی دیگر، بسیاری از روانشناسان، انحراف و بزه اکثر بزهکاران زن پنهان و آشکار را بر اساس نقص شخصیت تبیین می کنند. بدین معنی که برخی از انواع شخصیت گرایی بیشتری به انحراف اجتماعی دارند و همچنین از نظر جنسی شخصیت زنان آسیب پذیرتر از شخصیت مردان در مقابل بزه بوده و بزهکاری زنان تأثیر بیشتری بر ساختار خانواده دارد. جامعه شناسان نیز تأکید دارند که اکثر مجرمان افرادی هستند که به صورت صحیحی اجتماعی نشده، هنجارهای فرهنگی را در شخصیت خود جایگزین نمی کنند و بدینسان قادر نیستند بین رفتار فرهنگی مناسب و نامناسب تمایز قایل

۱. Sutherland

شوند (کوئن<sup>۱</sup>، ترجمه و اقتباس توسلی و فاضل، ۱۳۷۶). مثلاً زنانی که توانایی هماهنگی با ویژگی های جنسیتی جامعه پسند خود را ندارند و یا با آن مقابله می نمایند جزء این گروه قلمداد می شوند. در واقع اعتقاد بر این است که تحقیق در شخصیت مجرمان و بزهداران زن از یک سو به جامعه شناسی و از سوی دیگر به روانشناسی مربوط است و شخصیت بزهدار، مجرد از چارچوب اجتماعی که منش او را به وجود آورده است قابل مطالعه نیست (ستوده و همکاران، ۱۳۸۱). اما آیا به جز دیدگاه و مکاتب خاص و علمی از نظرگاه خود فرد بزهدار، به عمل بزه نگریسته ایم؟ آیا یک زن بزهدار که چندین بار رفتارش را تکرار می کند، اعتقادی به بزه دارد؟ او خود را چگونه شخصیتی می بیند؟ در کل یک زن یا در کل فرد بزهدار کیست؟ شخصیت او چگونه است؟ با شخصیت افراد دیگر جامعه چه تفاوتی دارد؟ و بزه چگونه عملی است؟ چه محدوده ای از اعمال را می توان بزه و نقض حقوق دیگران بدانیم؟ فرهنگ جامعه کدام رفتار را برای زنان مغایر با باید ها و نباید های حاکم می داند و انجام دهنده آن را بزهدار می شمارد؟ در این تحقیق تلاش می کنیم تا به پاسخ سئوالات مطرح شده به شکل علمی اندیشیده و به نتایجی مطلوب دست یابیم.

#### ارتباط بزهداری با عناصر شخصیتی در زنان

- سرسختی روانشناختی<sup>۲</sup>: کوباسا و پوکستی<sup>۳</sup> (۱۹۸۳) با استفاده از نظریه های وجودی شخصیت، سرسختی را ترکیبی از باورها در مورد خویشتن و جهان تعریف می کند. همچنین سرسختی زائیده دانشی است که بر مبنای آن شخص به منابع بیشتری برای پاسخگویی به استرسورها دسترسی پیدا می کند. عنایتی و همکاران (۱۳۸۵) در تحقیق خود نشان دادند که میزان سرسختی روانشناختی در بزهداران نسبت به نوجوانان عادی کمتر بوده است. شک<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) نیز دریافت که تضاد نوجوانان با مادران سرسخت، اثر نیرومندی بر رفتار اجتماعی و احتمال ارتکاب بزه می گذارد.

- خود اثربخشی: قضاوت شخص درباره اینکه او با توجه به مهارت هایی که دارد، با موقعیت هایی که مواجه می شود تا چه حد می تواند خوب کنار بیاید خود اثربخشی شخص را نشان می دهد (بندورا<sup>۵</sup>، ۱۹۸۲). به بیان برگر<sup>۶</sup> (۱۹۹۲) نتایج تحقیقات انجام شده نشان می دهد که وقتی کنترل و خود اثربخشی افراد با میل کنترل زیاد دیگران تهدید شود یا از دست برود مثل زندگی در محیط پرازدحام و زندان، واکنش هایی مثل ناراحتی، اضطراب، افسردگی، رفتار سلطه گرانه و مقابله کردن جسورانه، نشان می دهند. مالتون، براوان و لنت<sup>۷</sup> (۱۹۹۱) دریافتند که بین باورهای خود اثربخشی و عملکرد زنان و مردان رابطه معنی داری وجود دارد (r=۰/۳۸).

۱. Kuhn

۲. psychological Hardiness

۳. Kobasa & Puccetti

۴. Shek

۵. Bandura

۶. Burger

۷. Multon, Brown & Lent

- درون‌گرایی و برون‌گرایی: در کل شخص درون‌گرا با دیدگاه درونی و ذهنی همراه بوده و آمادگی بیشتری برای خودداری و تسلط بر نفس خویش نشان می‌دهد ولی برون‌گراها با دیدگاه عینی و خارجی تر شناسایی شده و از آمادگی کمتری برای تسلط بر نفس خویش برخوردارند (آیزنگ، نقل از مؤسسه علمی ایران زمین پارسیان، ۱۳۸۵). در همین راستا نتایج تحقیقات نفیسی (۱۳۸۲) نشان داد که دختران بزهدار دارای شخصیتی برون‌گراتر، هیجان طلب تر و حساس تر از دختران عادی هستند.

- سلطه‌گری ۲: سلطه‌گری یعنی، دیگران را به همکاری واداشتن، متقاعد ساختن دیگری از درستی نظر خویش (شولتز و شولتز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸؛ ترجمه: سید محمدی، ۱۳۸۶). آدلر<sup>۴</sup> چهار سبک زندگی اساسی را مطرح نمود که آدمیان برای رویارویی با مشکلات خود آنها را اختیار می‌کنند. یکی از آن سبک‌ها، تیپ سلطه‌گری یا حکمران می‌باشد. چنین اشخاصی بدون توجه کردن به دیگران رفتار می‌کنند و تبدیل به انسان‌هایی دیگر آزار، بزهدار یا مستبد می‌گردند. نوع کمتر خطرناک این تیپ، الکلی و معتاد به مواد مخدر می‌شوند یا خودکشی می‌نمایند. آنها معتقدند، که با حمله کردن به خودشان به دیگران آسیب می‌رسانند (شولتز، ۱۹۹۰؛ ترجمه کریمی و همکاران، ۱۳۸۳). تحقیقات روهر<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که دلیل فرار از منزل اکثر دختران بزهدار و روسپیگر عبارت است از طرد والدین، طلاق والدین، مشکل ارتباطی با اعضای خانواده و احساس مردانه سلطه‌گری و نیاز به کنترل محیط و اعتراض بر محدودیت است.

- کمال‌گرایی ۶: افراد با این ویژگی شخصیتی در برخورد با واقعیت دچار مشکل می‌شوند و به دلیل داشتن معیارهای بالای عملکرد و ارزیابی‌های سفت و سخت از خود و دیگران در معرض انواع بیماری‌ها و عملکردهای نامناسب قرار می‌گیرند (افروز؛ نقل از حیدرئی و همکاران، ۱۳۸۵). سابونچی و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که خصیصه خشم و رفتارهای پرخطر با کمال‌گرایی زنان و مردان در جوامع ارتباط دارد.

- خطرپذیری ۸ و هیجان‌طلبی ۹: زاگرم<sup>۱۱</sup> این مؤلفه را چنین تعریف کرد: صفتی که ویژگی آن جستجوی هیجان‌ها و تجربه‌های متنوع تازه و پیچیده و میل شدید اقدام به خطرهای جسمانی، اجتماعی، قانونی و مالی به خاطر خود این تجربه‌هاست (ریو<sup>۱۱</sup>، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۷۸). از سویی سوسمان و همکارانش<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۹) در نتایج تحقیقات خود نشان داد که میزان خطرپذیری و درگیری‌های

۱. introverted & extroverted

۲. dominant

۳. Schultz & Schultz

۴. Alfred

۵. Rohr

۶. perfectionism

۷. Saboonchi, et al

۸. sensation-seeking

۹. risk-taking

۱۰. Zuckerman

۱۱. Reeve

۱۲. Sussman, et al

خانوادگی در نوجوانان خیابانی و فراری بالاتر از گروه بهنجار بود. نیلی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) و گرین و کرک مارک<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) و انت و همکارانش<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) طی مطالعاتی رابطه بین خطر پذیری و هیجان طلبی را در نوجوانان بزهکار بررسی کردند و به همبستگی مثبت بین آنها پی بردند. روهر<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) نیز طی تحقیقی تأثیر این ویژگی را در بزهکاری زنان تأیید کرد.

### بزهکاری و دیدگاه‌های مختلف:

دیدگاه‌های مختلفی درباره تعریف و علل بزهکاری وجود دارد که در این قسمت به برخی از آنها اشاره می‌کنیم (محمدی اصل، ۱۳۸۵):

- **معرفت عامیانه:** در حیطه معرفت عامیانه مثلاً در یونان باستان علت ارتکاب بزه را تقدیر و یا سرنوشت می‌دانستند و معتقد بودند که سرنوشت و یا تقدیر که رفتار و کردار افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد ناشی از مشیت الهی و یا نفوذ اراده نیروهای مرموز است که خواست و اختیار بشر در بروز آنها دخالت ندارد.

- **عرفان:** در حوزه عرفان هم غالباً میل به فراموشی خود یا غفلت عمدی از خاستگاه ملکوتی آدمی است که مبنای بروز انحرافات نظیر بزهکاری می‌گردد.

- **فلسفه:** سقراط جرم را محصول جهل و نادانی افرادی شمرده که به لحاظ بدشمنی نتوانسته اند معرفتی کسب کنند و به همین جهت هم نیاستی با مجرمان با خشونت رفتار کرد؛ بلکه باید به آنها شیوه اجتناب از ارتکاب جرم را آموخت.

- **هنر:** در حوزه هنر نیز غالباً رفتار نابهنجار را به سرشت آدمی نسبت می‌دهند و آن را امری ذاتی می‌دانند که به هنگام تولد شکل می‌گیرد و معتقدند که آموزش و پرورش و تربیت اجتماعی در آن بی تأثیر است.

- **زیست‌شناسی:** در این حوزه ادعای می‌شود میان وراثت کروموزومی، نژاد، شرایط بهداشتی قبل و بعد از تولد، جنس، سن و ارتکاب بزه رابطه وجود دارد و مجرم از نظر جسمانی عقب افتاده تر است و در عین حال قانون شکنی به آن قسمت مغز مربوط است که نیازهای عاطفی، برنامه ریزی‌ها و تصمیم‌گیریها، توجیه و تعدیل‌ها و نیروی انگیزه را کنترل می‌کند.

- **اقتصادی:** در این حوزه این طور بیان می‌شود که درآمد کم، تمایل به جرم را می‌افزاید، زیرا این امر موجب افزایش هزینه نسبی اختصاص زمان به کارهای قانونی می‌گردد.

- **انسان‌شناسی:** از نگره انسان‌شناسی، ایجاد شکاف بین فرهنگ مادی و غیر مادی، موجباتی فراهم می‌آورد که در آن امکان پاسخگویی به نیازهای آدمی از بین رفته و انحراف در عرصه فرهنگ انسانی رخ می‌نماید.

۱. Nealy, et al

۲. Greene & Krmark

۳. Ennett, et al

- روانکاوی: از دیدگاه روانکاوی، بزهدار کسی است که نیروی غریزی وجودش به خوبی اداره نشود و در واقع خود<sup>۱</sup> فرد از طریق فراخودش<sup>۲</sup> بر نهاد<sup>۳</sup> خویش نظارت نداشته باشد.

- علوم حقوقی - قضایی: در چشم انداز حقوق جزا و شعب عمومی و خصوصی و آئین دادرسی کیفری، غالباً جرم در عرصه قانون حد زده می شود و پس از تحقیق به تنبیه مجرم با توجه به ارباب دیگران ختم می گردد.

### زن بزهدار و اختلالات شخصیتی

اختلالات مربوط به شخصیت با تأثیر مستقیم بر نظام ادراکی و شناختی افراد، قوه قضاوت آنها را تغییر داده و مخدوش می کند و ایشان را مستعد بروز پدیده بزهداری می نماید. با وجود اینکه مجموعه صفات شخصیتی ثابتی برای بزهداران تعیین نشده است، شایع ترین ویژگی های این افراد بدین شرح می باشد (نقل از احدی و همکاران، ۱۳۸۲): جسارت و بی اعتنائی نسبت به مراجع قدرت، انگیزه پیشرفت پایین، خشمگینی، بدگمانی، احساس بی کفایتی و طرد شدگی عاطفی و نیاز به ابراز وجود (ماسن و همکاران<sup>۴</sup>، ترجمه یاسائی، ۱۳۸۰). در کل از بین انواع اختلالات موجود در سه طبقه کلی از اختلالات شخصیت (۱- بیگانه و عجیب و غریب، ۲- هیجانی و نمایشی، ۳- ترس و دلواپسی)، معمولاً اختلال های شخصیتی پارانوئید، اسکیزوئید، سیکوپاتی (یا جامعه ستیزی) و شخصیت ضداجتماعی به چشم می خورد. با وجود اینکه بزهداری ها متنوع اند و دامنه آنها از انحرافات جنسی تا اعتیاد را شامل می شود، ولی امروزه در کتاب های تخصصی، مشکلات شخصیتی و اجتماعی و در کتاب های روانپزشکی و روانشناسی، انحرافات جنسی و اعتیاد، به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است و بحث و تحقیق درباره بزهداری ها را بیشتر محدود به شخصیت های ضداجتماعی نموده اند (احمدی، ۱۳۸۶). در تحقیقات شک (۲۰۰۵) اختلالات شخصیتی نمایشی و ضد اجتماعی در مورد زنان و مادران بزهدار دیده شد که این مسئله منجر به رفتار بزهدارانه در آنها و فرزندان شان می شد.

اختلال شخصیت ضد اجتماعی که به نام های روان دردمندی، جامعه رنجوری و کژخویی یا جامعه ستیزی نیز معروف است (ستوده و همکاران، ۱۳۷۶)، الگوهای رفتاری خاصی دارد که با شرارت و اعمال ضداجتماعی در کودکی و اوایل نوجوانی شروع شده و به اختلالات شدید در روابط خانوادگی، تحصیل، شغل و ازدواج در دوران بزرگسالی می انجامد (گوزه و گودین<sup>۵</sup>، ترجمه پورافکاری، ۱۳۷۵). در کل تحقیقات فراوانی در زمینه تأثیر اختلالات شخصیت و علل به وجود آورنده آن بر رفتارهای بزهدارانه زنان نیز انجام شده که تأییدی بر مطالب بیان شده در بالا است برخی از چنین پژوهش هایی به شرح زیر می باشد:

۱. ege

۲. superego

۳. ID

۴. Massen, et al

۵. Gozeh & Godin

- ابراهیمی نژاد و ابراهیمی نژاد<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در تحقیق خود نشان دادند که روان نژندی بالا با درجات بالایی از فشار روانی مرتبط بوده و در بروز رفتار نابهنجار مؤثر است.
- لینکز و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) نشان دادند که از دست دادن واقعی یا ذهنی شریک زندگی یا اشخاص مهم دیگر مخصوصاً برای زنان می تواند باعث اختلال شخصیت و متعاقب آن رفتار نابهنجار و خودکشی گردد.
- در تحقیقی فاضلف و دانش<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) به این نتیجه رسیدند که ۳۷٪ از زندانیان دارای اختلالات شخصیت ضداجتماعی هستند.
- جردن و همکاران<sup>۴</sup> (نقل از وارن و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲) در تحقیقی نشان دادند که برخی از زنان زندانی دارای اختلالات شخصیتی ضداجتماعی هستند.
- در نتایج تحقیقات بیفالکو و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۰۰) مشخص شد که مشکلات عاطفی، رفتاری و جسمانی کودکان سطح تنش را در خانواده مخصوصاً مادران که ارتباط نزدیکی با آنها دارند بالا برده و در نهایت سطح بزه دیدگی و بزهکاری را افزایش می دهد.
- آقانو<sup>۷</sup> (۲۰۰۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که اختلال شخصیت ضداجتماعی در چندین تحقیق با اقدام به خودکشی و رفتار بزهکارانه مرتبط بوده است. در بررسی بیوترا<sup>۸</sup> (۱۹۹۹) نیز برخی از اختلال شخصیت با خودکشی و بزه مرتبط بود. طی پژوهش مشابهی، سولوف و همکاران<sup>۸</sup> (۱۹۹۴) دریافتند که اختلالات شخصیت بر رفتار انحرافی و خودکشی زنان تأثیر می گذارد.

### زن بزهکار و عوامل فرهنگی

فرهنگ یک جامعه در تمامیت خود از ارزش ها، هنجارها و نهادهای اجتماعی و سایر عناصر به هم پیوسته و منسجم تشکیل می شود. تغییر در بخشی از فرهنگ، سبب ایجاد تنش ها و فشارهایی در بافت دیگر قسمت های آن می گردد و ناگزیر تناسبی که بین آن عناصر و عنصر های دیگر برقرار است، از میان می رود و در نتیجه پس افتادگی فرهنگی یا تأخیر فرهنگی رخ می دهد. پس افتادگی فرهنگی زمانی رخ می دهد که در اثر تحولات سریع و شتاب آلود اختراع، نوآوری، رشد جمعیت یا پیدایی هر چیز متفاوت-سازش و تطابق اجتماعی دشوار می شود و در نتیجه هماهنگی و سازش میان جنبه های مختلف یک فرهنگ از بین می رود که این خود می تواند شرایط بروز بحران در فرهنگ را فراهم آورد. درباره پس افتادگی فرهنگی- یعنی عقب ماندن فرهنگ غیر مادی از فرهنگ مادی و نتایج

۱. Ebrahimi-Nejad & Ebrahimi-Nejad

۲. Fazelf & Danesh

۳. Jordan, et al

۴. Warrant, et al

۵. Bifulco, et al

۶. Aghanwa

۷. Beautrais

۸. Soloff, et al



روانی و اجتماعی آن- که بیشتر در کشورهای در حال توسعه دیده می شود پژوهشگران تحقیقات بسیاری کرده و ریشه بیشتر بزه ها، دردها، نابسامانی ها و آسیب های اجتماعی معاصر را در آن جستجو و تشخیص داده اند (ستوده، ۱۳۷۶). در واقع، این پس افتادگی فرهنگی بیشترین آثار منفی خود را بر قشر آسیب پذیر جامعه یعنی زنان می گذارد. زیرا انتظارات فرهنگی در مورد آنها تغییر کرده و گاهی آنها را به سوی رفتارهای خلاف انسانیت فرامی خواند. برخی اوقات فرهنگ جامعه، خود رفتارهایی که نقض کننده حقوق دیگران هستند را به دلیل تکرار زیاد یا کوچک شمردن شان یا هر دلیل دیگری به عنوان بزه تلقی نمی کند. در چنین شکلی دیگر نمی توان یک زن یا مرد بزهکار را از فرد غیر بزهکار یا بهنجار جدا کرد. زیرا در صورتی که فردی در جامعه، خلاف اصول انسانی رفتار کند (مثلاً دروغ بگوید) به عنوان بزهکار تلقی نشده و بزه او پوشیده مانده و در اذهان عمومی نیز او همچنان یک فرد سالم باقی می ماند و یا زنی که برای فروش بیشتر یک فروشگاه به ارائه خود می پردازد و از شخصیت زنانه، خود به شکل نامطلوب و تبلیغاتی استفاده می کند دیگر بزهکار نیست. در واقع این مسئله خود یک مشکل بزرگ مخصوصاً در جوامع صنعتی و در حال رشد است.

#### زن بزهکار کیست و چگونه شخصیتی دارد و در چه فرهنگی زندگی می کند؟

با توضیحات و تحقیقات فوق که ارائه شد مشخص گردید بزهکاری زنان با عوامل متعددی در ارتباط است ولی هنوز در جامعه به وضوح مشخص نیست دلیل اصلی بزه چیست؟ و چگونه زنی بزهکار و چه فعالیتی بزه تلقی می شود؟ همچنین به سؤال اصلی تحقیق حاضر که شخصیت زن بزهکار چگونه شخصیتی است؟ و او در چه فرهنگی پرورش یافته است؟ پاسخی داده نشد. این مبحث یکی از زمینه های قابل تأمل در مورد بزهکار و بزه می باشد که در زیر به بررسی آن می پردازیم.

#### - شخصیت زن بزهکار یا شخصیت یک زن بیمار

انجمن روانشناسی آمریکا (۲۰۰۰؛ ترجمه نیکخو و همکاران، ۱۳۸۱) اختلال شخصیت را که به نام اختلال منش نیز معروف است (اسمیت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴) به عنوان الگوی پایداری از رفتار و تجربه درونی که با انتظارات فرهنگی به میزان قابل ملاحظه ای مغایرت دارد و فراگیر و انعطاف ناپذیر می باشد، تعریف کرده است. این اختلالات در صورت عدم درمان، می توانند خود آغازگر رفتار نابهنجار و بزه در فرد باشند. این نکته و لزوم برخورد مناسب با بزهکاران در تحقیق افرادی چون سیفنگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)، اندو<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) و اولیوان<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) بر روی زنان نیز بیان شده، که خود تأییدی بر مطالب بالا می باشد. در همین راستا، روانشناسی جنایی با تکیه بر اصول روانشناسی، ویژگی های جسمانی، رفتاری و عاطفی و فرهنگ بزهکاران زن و مرد را مطالعه کرده و سعی دارد تا با توجه به شناختی که از شخصیت های گوناگون مجرمان پیدا می کند، پی به انگیزه های آنان برده و علل ارتکاب جرم را مشخص نماید (ستوده و

۱. Smith

۲. Seiffge

۳. Ando

۴. Olivan

همکاران، ۱۳۷۶). از سوی دیگر، پژوهشگرانی چون کاپلان و سادوک<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) نیز معتقدند پیشگیری، اختلالات و معضلات جامعه را کم کرده و تا حدودی آنها را جبران می کند. اما در صورت ارتکاب جرم نیز باید افراد بزهکاری که دارای اختلالات شخصیت هستند را در مکان هایی غیر از زندان و مراکز اصلاح و تربیت نگهداشت و به درمان مناسب برای آنها پرداخت تا از این طریق احتمال انتقال تغییرات ناشی از درمان به محیط های روزمره آنها افزایش یافته (برک، ۲۰۰۱؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۳) و از ارتکاب مجدد رفتار بزهکارانه جلوگیری شود. [تحقیقات مختلف نیز مشخص کرده؛] در صورتی که شخص بزهکار به دلیل بیماری و یا اختلال مراحل رشد، تحت نیرو و قدرتی دورنی و بیمارگونه و غیر قابل مقاومت، دست به عمل مجرمانه بزند، مجازات نه عادلانه به نظر می رسد و نه مؤثر، زیرا «بیمار را درمان باید نه کیفر» (www.havadar.ir). حال با توجه به موضوع تحقیق حاضر اگر یک زن بزهکار بیمار است و رفتار بزه نشانه بیماری است، پس چرا چنین زانی را بزهکار می خوانیم نه بیمار؟ و چرا آنها را مجازات می کنیم نه درمان؟

#### - شخصیت زن بزهکار یا شخصیت یک مادر دلسوز

گاهی اوقات مادران برای جلوگیری از صدمه دیدن فرزندشان از اینکه آنها زندگی را تجربه کنند مانع می شوند و محرومیت شایان توجهی از نظر روابط اجتماعی و برآورده کردن نیاز فرزندان که حق مسلم آنهاست ایجاد می نماید. حال باید او را یک زن بزهکار دانست یا یک مادر دلسوز.

#### - شخصیت زن بزهکار یا شخصیت یک زن دیندار

آنچه را که ما برای زنان به عنوان بزه می دانیم و زنان را در قبال آن به بزهکاری متهم می کنیم، امکان دارد در کشور های دیگر نقض قانون تلقی نشود و از سوی دیگر فرد در قالب یک شخص معتقد دینی قلمداد شود. در بعضی فرهنگ های مختلف، خودکشی که خود یک رفتار بزهکارانه محسوب می شود، به عنوان عملی افتخار آمیز تلقی می گردد. مثلاً در ژاپن هاراگیری<sup>۲</sup> که یک خودکشی آئینی است (ساراسون<sup>۳</sup>، ۱۹۸۴؛ نقل از آزاد، ۱۳۸۴) و نوع نادرتر بسیار دراماتیک خودکشی، خودکشی های گروهی مثل خودکشی جمعی زنان و مردان و کودکان جونزتاون<sup>۴</sup> که در آن ۹۱۳ نفر پیروان مذهبی جیم جونز<sup>۵</sup> معبد پلی پلز<sup>۶</sup> با نوشیدن محلولی خود را کشتند یک مراسم مذهبی به تلقی می شود (آزاد، ۱۳۸۴) و یا زانی که برای ادای نذر، فرزندان خود را با قمه می زنند، آیا دینداراند یا بزهکار؟ حال این عملی که آنها انجام دادند بزه بود یا روش اجرای آئینی خاص؟ آنها بزهکاراند یا معتقد به آئین؟

#### - شخصیت زن بزهکار یا شخصیت یک زن شجاع و جسور

بارها دیده شده فردی از نرده های پل بالا رفته و با آنکه باعث حواسپرتی رانندگان گشته و در واقع

۱. Kaplan & Sadock

۲. harakiri

۳. Sarason

۴. Jones Town

۵. Jim Jones

۶. Peoples

جرمی مرتکب شده، به عنوان فرد جسوری محسوب می شود. از سوی دیگر در گروه زنانی که بتواند دیگران را به اجبار و یا با توانایی خوش زبانی خود مجبور به کاری کند اگر چه حقوق دیگران را نقض کرده است ولی به خاطر جسارتش به عنوان رهبر گروه تلقی شده است. حال این افراد را بزهارکار بدانیم یا فردی جسور؟ خود آنها در مورد خود و عملی که انجام می دهند چه فکری می کنند؟

#### - شخصیت زن بزهارکار یا شخصیت یک زن فریب خورده

گاهی افراد در موقعیتی خاص برای چشیدن یک لذت آنی دست به رفتار نادرستی می زنند که اگر بعداً از علت آن جو یا شویم می گویند ما فریب خورده ایم. این مسئله در رفتارهای جنسی نامشروع زنان و ابتلا به اعتیاد آنها به شکل بارز نیز دیده می شود. حال شخص معتاد و فردی که دست به روابط جنسی نامشروع زده، بزهارکار است یا فریب خورده؟

#### بحث و نتیجه گیری

در مطالب بالا مطرح شد که بزه عملی است که نقض قانون می کند و بزهارکار کسی است که عمل بزه را انجام می دهد و بزهارکاری نیز مجموعه ای از جرایمی است که در یک زمان و مکان معین به وقوع می پیوندد. در عین حال برخی از نظریات مثل روانشناسی جنایی علل بزهارکاری را مسائل مربوط به شخصیت قلمداد کرده اند و یا عمل بزهارکارانه مخصوصاً در زنان را با اختلالات شخصیتی مرتبط دانسته اند. برخی دیگر از دیدگاه ها نیز به اراده زنان تأکید کرده و خود شخص را مقصر اصلی انجام رفتار بزهارکارانه دانسته اند و تعدادی از دیدگاه های دیگر عوامل محیطی و فرهنگی را در ارتکاب بزه مهم تلقی کرده اند. همچنین بعضی مکاتب و پژوهشگران، بیماری های جسمانی و اختلالات ژنتیکی را منشاء رفتار منحرف فرد می پنداشته و برخی دیگر از محققان، دلیل رفتارهای ناپهنجار را عوامل روانی و فشارهای ناشی از حالات روحی می دانند. از سوی دیگر مشخص شد که فرهنگ نیز در صورتی که به شکل مطلوب ارائه نگردد نمی تواند در پیشگیری از بزه و اصلاح بزهارکاری زنان جامعه مؤثر باشد. با در نظر گرفتن مطالب بالا این نکته کاملاً روشن است که در علل ایجاد بزه و انجام رفتار بزهارکارانه زنان اختلاف نظر وجود دارد. ولی در این حیطه سئوالات مهمتر این است که، آیا زنی که به علل رفتارش پرداخته می شود (یعنی زن بزهارکار) واقعاً بزهارکار است؟ آیا همه بزهارکاران را می توان شناسایی کرد؟ آیا همه رفتارهای بزه تعریف شده اند؟ آیا همه رفتارهای بزهارکارانه در قانون پیش بینی و مکتوب و محکوم به مجازات گشته است؟ آیا زن بزهارکار نیز خود را با این عنوان می خواند؟ یا خود را در رابطه با انجام چنین رفتاری محق می داند؟ فرهنگ جامعه ای که در آن زیسته است چه تأثیری بر رفتار او داشته است؟

وقتی فرزندمان بیمار است، با آنکه احتمال سرایت بیماری به کودکان دیگر نیز وجود دارد او را به مدرسه می فرستیم، وقتی پوست موز را که روی زمین دیده ایم به کنار خیابان منتقل نمی کنیم، وقتی شخص بیماری که به زمین افتاده است را می بینیم و از ترس گرفتار نشدن به او کمک نمی کنیم، وقتی آشغال ها را در جای نامناسب در خیابان رها می کنیم، وقتی به همسرمان دروغ می گوییم، آیا حقوق

دیگران را نادیده گرفته ایم؟ آیا مرتکب بزه شده ایم؟ یا نه؟ بله، ما در هر زمینه ای طبق تعریف بزه، حقوق دیگران را نقض کرده و خلاف فرهنگ یا باید ها و نباید های اخلاقی رفتار کرده باشیم می توانیم به عنوان فرد بزهکار تلقی شویم.

پس از این به جای گشتن به دنبال یک زن یا مرد بزهکار و بررسی شخصیت وی و تلاش برای تصحیح رفتار او سعی شود ابتدا به خود و اعمالی که در شبانه روز انجام می دهیم و فرهنگی که ما را در جامعه احاطه کرده است به دقت بنگریم و تلاش کنیم تا حقوق دیگران را پایمال نکرده و در واقع شخصیت خود را ترمیم نموده و فرهنگ خود را نیز بازنگری کنیم.

پیامبر گرامی اسلام(ص) در این مورد می فرماید:

#### «حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا»

«پیش از آن که اعمالتان را ارزیابی کنند، خود آنها را ارزیابی کنید»

تنها در این صورت است که می توانیم شخصیت زن و مرد بزهکار را از زن و مرد سالم جدا کنیم ولی در غیر این صورت به دنبال تعریف شخصیت و فرهنگ مرتبط با آنها بی فایده است. اگر از خودمان شروع کنیم و هر کس برای خود قانون را تعریف کرده و دروغ، رها کردن خانه، تنبیه بی رحمانه کودک در مقابل دیگران و رفتارهایی از این قبیل را بزه و خلاف عرف و اخلاقیات و فرهنگ بهنجار بدانند، دیگر شخصیت یک فرد بزهکار با ما خیلی متفاوت خواهد بود. پس به یاد داشته باشید این شعر زیبای حمید مصدق را که می گوید؛

من اگر برخیزم      تو اگر برخیزی      همه برمی خیزیم  
من اگر بنشینم      تو اگر بنشینی      چه کسی برخیزد؟

#### منابع

- آزاد، حسین (۱۳۸۴) آسیب روانی «۱»، چاپ نهم، مؤسسه انتشارات بعثت، تهران.
- اتکینسون، ریچارد سی؛ اسمیت، ادوارد ای؛ بس، داریل ج؛ هوکسما، سوزان نولن؛ زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه محمدنقی براهنی، بهروز بیرشک، مهرداد بیگ، رضازمانی، مهرناز شهر آرای، یوسف کریمی، نیسان گاهان، مهدی محی الدین، کیانوش هاشمیان (۱۳۸۵) چاپ پنجم، انتشارات رشد، تهران.
- احدی، حسن؛ احمدی، احسان؛ جعفری، شیما (۱۳۸۲) کودکان خیابانی؛ مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راهکارهای پیشگیرانه، چاپ اول، نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، ص ۲۵۸-۲۸۶.

احدی، حسن؛ محسنی، نیکچه‌ره (۱۳۷۸) مفاهیم بنیادی روانشناسی نوجوانی و جوانی، انتشارات رشد، تهران.

احمدی، سید احمد (۱۳۸۶) روانشناسی نوجوانان و جوانان - شخصیتی، رفتاری، تحصیلی، شغلی، بزهکاری و اعتیاد-، چاپ سیزدهم، انتشارات مشعل، اصفهان.

انجمن روانپزشکی آمریکا (۲۰۰۰) متن تجدید نظر شده راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی ترجمه محمدرضا نیکخو، هامایاک آوادیس یانس (۱۳۸۱) چاپ چهارم، انتشارات سخن، تهران.

برک، لورا ای. (۲۰۰۱) روانشناسی رشد - از نوجوانی تا پایان زندگی، ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۳) جلد دوم، چاپ دوم، نشر ارسباران، تهران.

حیدرئی، علیرضا؛ عسگری، پرویز؛ مرمضی، عیدان (۱۳۸۵) مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی مقطع تحصیلی متوسطه شهر اهواز، مجله یافته‌های نو در روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، سال اول، شماره دوم، ص ۹۶-۱۴۴.

ریو، جان مارشال؛ انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۷۸) چاپ دوم، انتشارات نشر ویرایش، تهران.

ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۶) آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، چاپ چهارم، مؤسسه انتشارات آوای نور، تهران.

ستوده، هدایت‌الله؛ میرزایی، بهشته؛ پازند، افسانه (۱۳۸۱) روانشناسی جنایی، انتشارات آوای نور، تهران.

شولتز، دوان (۱۹۹۰) نظریه‌های شخصیت؛ ترجمه یوسف کریمی، فرهاد جمهری، سیامک نقشبندی، بهزاد گودرزی، هادی بحیرایی، محمدرضا نیکخو (۱۳۸۳) چاپ چهارم، انتشارات ارسباران، تهران.

شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی آلن (۱۹۹۸) نظریه‌های شخصیت؛ ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۶) چاپ یازدهم، انتشارات ویرایش، تهران.

عنایتی، میرصلاح الدین؛ عسگری، پرویز؛ علیمرادزاده، ژاله (۱۳۸۵) مقایسه سرسختی روانشناختی و حمایت اجتماعی بین نوجوانان عادی و بزهکار، مجله یافته‌های نو در روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، سال اول، شماره دوم، ص ۲۲-۳۸.

کوئن، بروس؛ مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی، رضا فاضل (۱۳۷۶) چاپ هشتم، نشر سمت، تهران.

گوزه و گودین؛ تشخیص بیماری‌های روانی، ترجمه نصرت‌اله پورافکاری (۱۳۷۵) انتشارات ذوقی، تبریز.

ماسن، پاول هنری، کیلگان، جروم، هوستون، آلتا کارول، کانجر، جان جین وی؛ رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی (۱۳۸۰) چاپ هفدهم، انتشارات کتاب‌ماد، تهران.

محمدی اصل، عباس (۱۳۸۵) بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی، چاپ اول، انتشارات نشر علم، تهران.

مؤسسه علمی ایران زمین پارسیانس (۱۳۸۵)، [www.aftab.ir/articles/health-therapy](http://www.aftab.ir/articles/health-therapy)

نفیسی، غلامرضا (۱۳۸۲). بررسی مسائل کودکان خیابانی، با تأکید بر بزه دیدگان دختر؛ مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راهکارهای پیشگیری، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد خوراسگان، ص ۳۰۳-۳۲۰.

واحدی کوجنق، حسین؛ اسمعیلی کورانه، احمد؛ رضایی ملاجیق، رسول (۱۳۸۷). ارتباط ویژگی های شخصیتی و سبک های مقابله ای مجرمین، مجموعه مقالات علمی پژوهشی بررسی راهکارهای کاهش جمعیت کیفری و مسائل نظام زندانبانی در ایران، مرکز آموزش علمی کاربردی منطقه ۳ زندان های کشور، چاپ اول، انتشارات تر آوا، اهواز، ص ۳۱۴-۳۲۴.

- Ando , M. (2002). Relationships among mental health , coping styles and mood. *Psychological Reports*, 90(2). 606-913.
- Aghanwa, H. S. (2000). The characteristics of suicide attempters admitted to the main general hospital in fiji islands. *Journal of psychosomatic research*, 49: 439-445.
- Beautrais, Annette, L. (1999). Risk Factors for suicide and attempted suicide among young people. *Canterbury suicide Project, christchrech school of medicine*, 16: 420-436.
- Bonn, Robert, L. (1984). *Criminology*, U.S.A; MsGraw-Hill.
- Bandura , (1982). Self-efficacy mechanisms in human agency. *America psychologist*.
- Bifulco, A., Moran, P., Stanford, M., Baines, K. & Bunn, R. (2000). Psychological abuse in childhood II: Association with adult major depression. Submitted for publication.
- Burger , R. (1992). *Desire for control : Perspectives* , New York : Plenum.
- Ebrahimi-Nejad, G. & Ebrahimi-Nejad. A. (2006). Relationship between Coping Strategies, Personality Traits and Psychological Distress in Bam Earthquake Survivors. *Journal of medicine Science; Vol 13 No 4* 191.
- Fazelf, S. & Danesh, J. (2002). Serious mental disorder in 23000 prisoners. *THE LANCHET*, 1: 359: 545-550.
- Ennett, S.T., Bailey, S.L., Federman, E.B. (1999). Social network characteristics associated with risky behaviors among runaway and homeless youth, *Journal of Health and Social Behavior*, 40(1):63-78.
- Greene, K., Krcmank, N. (2002). Targeting adolescent risk-taking behaviors: The contributons of egocentrism and sensation seeking. *Journal of Adolence*. 23(4): 439-462.
- Kaplan, H. & Sadock, B. (2000). *Synopsis of psychiatry*, Baltimore: Williams & Wilkins.
- Kobasa. S. C. & Puccetti, M. C. (1983). Personality and social resources in stress resistance. *Journal of Personality and Social Psychology*, U5, 839-850.
- Links, Paul, S., Bergmans, Yvonne. & Harwar, Serine, H. (2004). Assessing suicide risk in patients with borderline personality disorder. *Psychiatric times*, 21(8): 62&79.
- Multon , K. D., Brown , S. D. & Lent , R. W. (1991). Relation of self-efficacy beliefs to academic outcome : A meta-analysis in vestigation. *Journal of Counseling Psychology* , 38,30-38. In F. Pajares , F. (1996). Self-efficacy beliefs in Academic setting. *Review of Educational Research* , 66(44),543-578.
- Nealy, E., Lundstrom, R., Bjrkvist, B. (2002). Sensation seeking and subjective unpleasatness rating of stimulus intensity. *Percepual and Motor skills*, 95(3): 706-713.
- Olivan , G. (2002). Maltreatment histories and mental health problems and common among runaway adolescents in Spain. *Acta Paediatrica*, 91(11) : 1274-1276.

- Roher, M. E. (2005). Identifying adolescent ruaways: the predictive utility of the personality inventor for children. *Adolescence*, 31(123):605-624.
- Saboonchi, Fredrik & Lundh, Lars-Gunnar.(2003). Perfectionism, anger, somatic healt, and positive affect. *Journal Personality & Individual Differences*, Vol 35(7), 1585-1599.
- Seiffge , K.I. (2002). Causal links between stressful events , coping style , and adolescent symptomatology. *Journal of Adolescence* , 23(6) : 675-692.
- Shek, D. T. L. (2005). Parent-adolescent conflict and adolescent antisocial and arosocial behavior: A longitudinal study in a chinese context. *Journal of adolesce*, [http:// www.findarticles.com](http://www.findarticles.com).
- Smith, J. (2004). Medical Library. <http://www.chclibrary.org/>
- Soloff, P. H., Lis, J. A., Kelly, T., Cornelius, J. & Ulrich, R. (1994). Risk factors for suicidal behavior in borderline personality disorder. *American journal of psychiatry*, 151: 1316-1323.
- Sussmen, S., Simon, T.R., Stacy, A.W., Denta, C.W., Ritt, A., Kipke, M.D., Montgomery, S.B., Barton, D., Flay, B.K.(1999). The association of group self-identification and adolescent drup use in three samples varing in risk. *Journal of Applied Social Psychology*, 29(8): 1555-1587.
- Warren, J. I., Burnette, M., South, S. C., Chaauhan, P. & Friend, R. (2002). The Relationship Between Narcissitic and antisocial personalities. Saint Bonaventure University.  
[www.havadar.ir/news/detail](http://www.havadar.ir/news/detail)